

## موضوع 8

### ختنه: نمادی از آن عهد

#### پیدایش 17

۱ وقتی ابرام نود و نه ساله بود، خداوند بر او ظاهر شد و فرمود: «من خدای قادر مطلق هستم. از من اطاعت کن و آنچه راست است بجا آور. ۲ با تو عهد می‌بندم که نسل تو را زیاد کنم.»

۳ و ۴ ابرام به خاک افتاد و خدا به وی گفت: «من با تو عهد می‌بندم که قوم‌های بسیار از تو به وجود آورم. ۵ از این پس نام تو ابرام نخواهد بود، بلکه ابراهیم؛ زیرا من تو را پدر قوم‌های بسیار می‌سازم. ۶ نسل تو را زیاد می‌کنم و از آنها ملت‌ها و پادشاهان به وجود می‌آورم. ۷ من عهد خود را تا ابد با تو و بعد از تو با فرزندان، نسل اندر نسل برقرار می‌کنم. من خدای تو هستم و خدای فرزندان نیز خواهم بود. ۸ تمامی سرزمین کنعان را که اکنون در آن غریب هستی، تا ابد به تو و به نسل تو خواهم بخشید و خدای ایشان خواهم بود.» ۹ و ۱۰ و ۱۱ خدا به ابراهیم فرمود: «وظیفه تو و فرزندان و نسل‌های بعد، این است که عهد مرا نگاه دارید. تمام مردان و پسران شما باید ختنه شوند تا بدین وسیله نشان دهند که عهد مرا پذیرفته‌اند. ۱۲ «هر پسر هشت روزه باید ختنه شود. این قانون شامل تمام مردان خانه زاد و زرخرد هم می‌شود. ۱۳ همه باید ختنه شوند و این نشانی بر بدن شما خواهد بود از عهد جاودانی من. ۱۴ هر کس نخواهد ختنه شود، باید از قوم خود طرد شود، زیرا عهد مرا شکسته است.» ۱۵ خدا همچنین فرمود: «اما در خصوص سارای، زن تو: بعد از این دیگر او را سارای مخوان. نام او ساره (یعنی «شاهزاده») خواهد بود. ۱۶ من او را برکت خواهم داد و از وی به تو پسری خواهم بخشید. بلی، او را برکت خواهم داد و از او قوم‌ها به وجود خواهم آورد. از میان فرزندان تو، پادشاهان خواهند برخاست.» ۱۷ آنگاه ابراهیم سجده کرد و خندید و در دل خود گفت: «آیا برای مرد صد ساله پسری متولد شود و ساره در نود سالگی بزاید؟» ۱۸ پس به خدا عرض کرد: «خداوندا، همان اسماعیل را منظور بدار.» ۱۹ ولی خدا فرمود: «مطمئن باش خود ساره برای تو پسری خواهد زایید و تو نام او را اسحاق (یعنی «خنده») خواهی گذاشت. من عهد خود را با او و نسل وی تا ابد برقرار خواهم ساخت. ۲۰ اما در مورد اسماعیل نیز تقاضای تو را اجابت نمودم و او را برکت خواهم داد و نسل او را چنان زیاد خواهم کرد که قوم بزرگی از او به وجود آید. دوازده امیر از میان فرزندان او برخوانند خاست. ۲۱ اما عهد خود را با اسحاق که ساره او را سال دیگر در همین موقع برای تو خواهد زایید، استوار می‌سازم.»

۲۲ آنگاه خدا از سخن گفتن با ابراهیم باز ایستاد و از نزد او رفت. ۲۳ سپس ابراهیم، فرزندش اسماعیل و سایر مردان و پسرانی را که در خانه‌اش بودند، چنانکه خدا فرموده بود ختنه کرد. ۲۴-۲۷ در آن زمان ابراهیم نود و نه ساله و اسماعیل سیزده ساله بود. هر دو آنها در همان روز با سایر مردان و پسرانی که در خانه‌اش بودند، چه خانه زاد و چه زرخرید، ختنه شدند.

### سوالات:

- ما در مورد خدا چه چیزی یاد می‌گیریم؟
- عهد خدا با ابراهیم شامل چه چیزی می‌شد؟
- خدا در مورد اسماعیل چه گفت؟
- پس از ابراهیم، چه کسی موظف است که آن عهد را که ابراهیم با خدا انجام داد، حفظ کند؟